

# فهرست

## Part A: Advanced Reading Comprehension

### فصل اول: درک مطلب پیشرفته

- بخش اول: آموزش تکنیک‌های پیشرفته متن خوانی ..... ۹
- بخش دوم: متن‌های درک مطلب تمرینی ..... ۳۰
- بخش سوم: متن‌های کلوز تمرینی ..... ۱۱۵

## Part B: Vocabulary Organizer

### فصل دوم:

- واژگان طبقه‌بندی شده موضوعی ..... ۱۴۵
- آزمون نمونه واژگان ..... ۲۵۱

## Part C: Language Functions

### فصل سوم:

- نقش‌های زبانی ..... ۲۵۲
- آزمون نمونه نقش‌های زبانی ..... ۲۹۳

## Part D: Previous Exams

### فصل چهارم:

- کنکورهای سال‌های اخیر ..... ۳۳۱



# Part A

## Advanced Reading Comprehension

### مرکز مطالب پیشرفته



در این بخش شما با هفت تکنیک اصلی متن خوانی آشنا می‌شوید و در قالب متن‌های آموزشی هدف‌دار می‌آموزید که روش درست خواندن متون درک مطلب و انواع سؤالات رایج درک مطلب و نحوه پاسخگویی به آن‌ها چگونه است.

#### پیش‌نیاز:

- ۱) داشتن دانش گرامری و لغوی در حد چهار سال دبیرستان
- ۲) آشنایی با اصول مقدماتی متن خوانی (اگر کتاب «درک متن انگلیسی به زبان ساده» تألیف اینجانب را نخوانده‌اید، حتماً آن را بخوانید).

#### چند توصیه‌ی مهم و کلی برای متن خوانی

- ۱) هنگام خواندن، دانش زمینه‌ای خود را درباره‌ی موضوع متن فعال کنید و تلاش کنید اطلاعات خود را از موضوع با آنچه متن ارائه می‌کند مقایسه نمایید.
- ۲) با متن تعامل کنید؛ به عبارت دیگر نقش شما در خواندن متن نقشی فعالانه است که باید از طریق سؤالاتی که دائماً درحین خواندن متن از خود می‌پرسید، مفاهیم متن را از آن بیرون بکشید.
- ۳) نگران معنی تک‌تک لغات نباشید و بر سیر موضوع متن تمرکز کنید.
- ۴) به ساختار هر پاراگراف توجه کنید و متن را نقادانه بخوانید.
- ۵) با تمرین زیاد بر سرعت و روانی خواندنتان بیفزایید.
- ۶) حتماً جملات پیچیده و طولانی را عبارت به عبارت بخوانید.
- ۷) سعی کنید با استفاده از خواندن این متون، بر دانش لغوی خود اضافه کنید و لغات جدید را ثبت کنید و بعداً مرور نمایید.
- ۸) سعی کنید خصوصاً در متون علمی، از موضوع متن، تصویر (متحرکی) در ذهن بسازید و موضوع را تجسم کنید.
- ۹) از عادت‌های بد متن خوانی مثل زیرلب زمزمه کردن، هر جمله را دوبار خواندن، ترجمه به فارسی و... دوری کنید.

۱۰) خواندن باید تبدیل به یک عادت روزمره شود و هرگز با آن به عنوان تکلیف و وظیفه (آن هم مثلاً یک روز در هفته) برخورد نکنید. یادتان باشد برای موفقیت در بحث متن خوانی سه چیز لازم

است: **تمرین، تمرین، تمرین.**

#### اهداف آموزشی:

- ۱) آموزش تکنیک‌های صحیح خواندن متون درک مطلب
- ۲) آشنایی خواننده با هفت نوع سؤال درک مطلب در سطح پیشرفته و نحوه پاسخگویی به آن‌ها
- ۳) تقویت تکنیک‌های صحیح متن خوانی در قالب تمرین متن‌های درجه‌بندی شده (از ساده به سخت) در کنار توضیحات مفصل تشریحی مؤلف
- ۴) آموزش تکنیک‌های برخورد با Cloze Test و تمرین هدفدار در قالب متن‌های کلوز درجه‌بندی شده (از ساده به سخت)



# Unit

## 1

## Advanced Reading Techniques

### آموزش‌های تکنیک‌های پیشرفته متن خوانی

در این بخش شما با هفت تکنیک اصلی متن خوانی آشنا می‌شوید و در قالب متن‌های آموزشی هدف‌دار می‌آموزید که روش درست خواندن متون درک مطلب و انواع سوالات رایج درک مطلب و نمونه‌ی پاسخگویی به آن‌ها به چه ترتیب است.

پس از یادگیری عمیق تکنیک‌های این Unit آماده فواید شد تا با استفاده از Unit 2 به تمرین آموخته‌های خود بپردازید.

# Technique 1

## Dealing With Details

## برخورد با جزئیات متن

**راهنما:** هدف این تکنیک، آموزش برخورد حرفه‌ای با جزئیات متن (اعم از اسامی، تاریخ‌ها، اعداد، اسامی خاص و...) و پاسخگویی به پرسش‌های مربوطه است. متن زیر درباره‌ی آدامس ریگلی است. متن را اجمالاً بخوانید تا سیر موضوع کلی آن را درک کنید. خود را درگیر تک‌تک لغات نکنید و تمرکزتان بر موضوع متن باشد. هدف اصلی در این جا پاسخ به سؤالات بعد از متن است که از **جزئیاتی داخل متن** پرسش می‌کنند.

Wrigley's chewing gum was actually developed as a premium to be given away with other products rather than as a primary product for sale. As a teenager, William Wrigley Jr. was working for his father in Chicago selling soap that had been manufactured in his father's factory. The soap was not very popular with merchants because it was priced at five cents, and this selling price did not leave a good profit margin for the merchants. Wrigley convinced his father to raise the price to ten cents and to give away cheap umbrellas as a premium for the the merchants. This worked successfully and showed Wrigley that the use of premiums was an effective sales tool.

Wrigley then established his own company; in his company he was selling soap as a wholesaler, giving baking soda away as a premium, and using a cookbook to promote each deal. Over time, the baking soda and cookbook became more popular than the soap, so Wrigley began a new operation selling baking soda. He began hunting for a new premium item to give away with sacks of baking soda; he soon decided on chewing gum. Once again, when Wrigley realized that demand for the premium was stronger than the demand for the original product, he created the Wm. Wrigley Jr. Company to produce and sell chewing gum.

Wrigley started out with two brands of gum, Vassar and Lotta Gum, and soon introduced Juicy Fruit and Spearmint. The latter two brands grew in popularity, while the first two were phased out. Juicy Fruit and Spearmint are two of Wrigley's main brands to this day.

1. It is NOT indicated in paragraph 1 that young William was working ..... .  
 1) in Chicago                      2) for his father                      3) as a soap salesman                      4) in his father's factory
2. According to paragraph 1, it is true that the soap that young Wrigley was selling ..... .  
 1) was not originally well-liked                      2) was originally priced at 10 cents  
 3) originally provided good profit for merchants                      4) never became popular with merchants
3. According to paragraph 2, it is NOT true that when Wrigley first founded his own company, he was ..... .  
 1) selling soap                      2) selling chewing gum  
 3) giving away cookbooks                      4) using baking soda as a premium
4. It is NOT mentioned in paragraph 2 that Wrigley later ..... .  
 1) sold baking soda                      2) used chewing gum as a premium to sell baking soda  
 3) sold chewing gum                      4) used baking soda as a premium to sell chewing gum
5. According to paragraph 3, the Wm. Wrigley Jr. Company did all of the following EXCEPT..... .  
 1) begin with two brands of gum                      2) add new brands to the original two  
 3) get rid of the last two brands                      4) phase out the first two brands

معنی متن:



آدامس ریگلی در واقع به عنوان جایزه‌ای ساخته شد تا با محصولات دیگر (به مشتریان) داده شود تا این که به عنوان محصولی اصلی برای فروش باشد. در نوجوانی، ویلیام ریگلی پسر برای پدرش در شیکاگو کار می‌کرد و صابونی را که در کارخانه پدرش تولید شده بود، به فروش می‌رساند. صابون نزد بازرگانان خیلی محبوب نبود زیرا قیمتش پنج سنت بود و این قیمت فروش، حاشیه سود خوبی برای تاجران باقی نمی‌گذاشت. ریگلی پدرش را متقاعد کرد که قیمت را به ده سنت افزایش دهد و چترهای ارزان قیمتی را به عنوان جایزه به تاجران همراهش بدهند این کار موفق بود و به ریگلی ثابت کرد که استفاده از جایزه ابزار فروش مؤثری است. ریگلی سپس شرکت خودش را تأسیس کرد؛ در این شرکت او صابون را به عنوان عمده فروش می‌فروخت در حالی که جایزه‌اش جوش شیرین بود و از یک کتاب آشپزی برای ترویج محصول استفاده می‌کرد. در گذر زمان، جوش شیرین و کتاب آشپزی از صابون محبوب‌تر شدند بنابراین ریگلی شرکتی تأسیس کرد که جوش شیرین بفروشد. او شروع به جستجو برای جایزه‌ای کرد که همراه با فروش جوش شیرین بدهد؛ خیلی زود تصمیمش به آدامس رسید. دوباره، وقتی ریگلی فهمید که تقاضا برای جایزه قوی‌تر از تقاضا برای محصول اصلی است، او شرکت ریگلی را به وجود آورد تا آدامس تولید کند و بفروشد.

هدف از متون Unit 1 پیش‌تر آموزشی است و لذا پرايشان زمان مشخصی نكداشته‌ام تا صرفاً تمرکزتان

روی تکنیک مورد بحث آن باشد.

ریگلی با دو برند آدامس شروع کرد، واسار و لوتا و خیلی زود (برندهای) «میوه آبدار» و «نعنا» را معرفی نمود. محبوبیت دو برند آخر افزایش یافت درحالی که دو تای اول ناپدید شدند. «میوه‌های آبدار» و «نعنا» دو برند اصلی ریگلی تا همین امروز هستند.

### ▶ پاسخ سؤالات متن

(۱) **گزینه‌ی ۴** یکی از رایج‌ترین انواع سؤالات درک مطلب، **سؤال از جزئیات ذکر شده در متن** است. برای پاسخ به چنین سؤالاتی باید با تکنیک

**scanning (خواندن گزینه‌ای آشنا شوید)** تکنیک scanning به این صورت است که شما ابتدا در صورت سؤال (یا گاه در گزینه‌ها) واژه یا عبارتی کلیدی (key word) را انتخاب می‌کنید. منظور از واژه یا عبارت کلیدی، واژه یا عبارتی است متمایز که به راحتی بتوان آن را در متن پیدا کرد. چنین واژه‌ای باید در حد یک یا دو بار در متن آمده باشد و اگر بیش از آن تکرار شده باشد، یافتن مورد موردنظر ما درباره‌ی آن واژه در متن بسیار دشوار خواهد شد. سپس با نگاهی سطحی و روزنامه‌وار آن واژه کلیدی یا معادلش را در متن پیدا می‌کنیم و جمله مربوط را به دقت می‌خوانیم تا جزئیات موردنظر را متوجه شویم. مثلاً در همین سؤال واژه‌ی young William در پاراگراف اول، واژه کلیدی موردنظر ماست. اگر به پاراگراف اول برگردیم جمله دوم که می‌گوید:

As a teenager, William Wrigley ....

جمله موردنظر ماست که اگر آن را به دقت بخوانیم می‌بینیم گزینه‌ی ۴ ذکر نشده است و صرفاً گفته شده که ویلیام برای پدرش کار می‌کرد تا صابون‌های کارخانه‌ی او را بفروشد.

(۲) **گزینه‌ی ۱** معمول بر این است که گزینه‌ای پاسخ سؤال است، با اندکی تغییر در جمله‌بندی متن و با واژگانی گاه جدید نوشته می‌شود در حالی که همان مفهوم جمله

متن را می‌رساند. به عبارت دیگر **گزینه پاسخ بیان مجددی (rephrase) از جمله اصلی متن است** مثلاً در همین سؤال در متن ذکر شده:

The soap was not very popular with merchants.

اما گزینه صحیح گفته

The soap was not originally well-liked.

که همان مفهوم را دارد.

(۳) **گزینه‌ی ۲** قاعده بر این است که در میان سؤالات جزئیات، سؤالات اول بیشتر مربوط به اوایل متن و سؤالات آخر بیشتر مربوط به اواخر متن

است. بنابراین حتی اگر در صورت سؤال، پاراگراف مربوط به آن سؤال ذکر نشود، تا حدودی می‌توان حدس زد که در کجای متن باید دنبال پاسخ آن پرسش گشت.

در این سؤال عبارت کلیدی عبارت روبه‌رو:

است که معادل همین مفهوم در پاراگراف دوم خط اول این جمله آمده:

Wrigley then established his own company.

که مشخصاً طبق همان جمله، گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ ذکر شده‌اند.

(۴) **گزینه‌ی ۴** یکی از انواع رایج سؤالات از جزئیات پرسش‌هایی هستند که صورت سؤال منفی دارند و کلماتی مثل NOT یا EXCEPT در صورت

سؤال دیده می‌شود. در این گونه سؤالات باید دقت کافی کرد که گیج نشویم و اشتباه نکنیم. در این سؤالات سه گزینه صحیح است و در متن ذکر شده و تنها یک گزینه نادرست است یا در متن ذکر نشده است. در این سؤال هم موضوع گزینه‌ی ۴ در متن (پاراگراف دو) نیامده است.

(۵) **گزینه‌ی ۳** یادمان باشد در سؤالات از جزئیات، اگر پاسخ سؤال به روشنی در یادمان است، حتماً لزومی هم ندارد که به متن مراجعه کنیم. به عبارت دیگر گاهی

براساس یاری حافظه یا حتی یاری اطلاعات عمومی می‌توان به سؤال پاسخ داد و لذا همیشه باید قبل از مراجعه به متن، گزینه‌ها را یک بار بررسی کرد شاید در همان بررسی اولیه پاسخ روشن باشد.

حال درباره‌ی این سؤال برای شما همین‌طور بود یا مجبور شدید به متن برگردید؟ در هر حال، مشخص است که ویلیام ریگلی از شر دو برند آخر خلاص نشد

زیرا دو برند آخر آدامس او بسیار موفق بودند و تا حالا هم از برندهای اصلی ریگلی هستند.

### ▶ New WORDS

chewing gum:	آدامس	profit margin:	حاشیه سود	baking soda:	جوش شیرین
premium:	چایزه	convince:	متقاعد کردن	deal:	معامله
primary:	اصلی	confirm:	تأیید کردن	demand:	تقاضا
merchant:	بازرگان	wholesaler:	عمده فروش	phase out:	از بین رفتن، ناپدید شدن

برای تسلط بر هر مهارتی، دو چیز باید کنارهم جمع شوند:

(۱) یادگیری تکنیک‌ها (۲) تمرین زیاد

حال این مهارت می‌خواهد شنا کردن باشد، پیانو زدن یا متن خوانی.

### ▲ خلاصه نکات «برخورد با جزئیات»

۱) اصولاً خوب است که هنگام مطالعه متن، زیر جزئیات (اعداد، ارقام، اسم‌ها، تاریخ‌ها و...) خط بکشید و البته سیر موضوع را بدون حفظ کردن تمامی این جزئیات دنبال کنید. این خط کشیدن کمک می‌کند که بعداً اگر در سؤالات چیزی از این موارد پرسیده شده باشد، آن‌ها را به راحتی پیدا کنید.

۲) تکنیک اصلی پیدا کردن جزئیات، تکنیک scanning است که در آن باید واژه یا عبارت کلیدی (key word) را در صورت سؤال یا گزینه انتخاب کنید و سپس با نگاهی روزنامه‌وار آن یا معادل آن را در متن بیابید و جمله مربوطه را بخوانید.

۳) معمولاً پاسخ چنین سؤالاتی بیان مجددی از جمله‌بندی متن است و معمولاً همان جمله متن عیناً در پاسخ تکرار نمی‌شود.

۴) ترتیب سؤالات معمولاً محل پیدا کردن پاسخ‌هایشان را در متن نشان می‌دهد یعنی پاسخ سؤالات اول معمولاً در اوایل و پاسخ سؤالات آخر معمولاً در اواخر متن است.

۵) صورت چنین سؤالاتی معمولاً این عبارات را شامل می‌شوند:

-According to the passage / paragraph 1, .....

-True / False

-correct / incorrect

-It is stated / mentioned / indicated in the passage that .....



## Technique 2

## Understanding Reference

## درک ارجاع

**راهنما:** هدف اصلی در این متن، یافتن مرجع ضمیرهای مشخص شده است. متن را اجمالاً و بدون درگیر شدن با تک تک واژه‌ها بخوانید تا صرفاً موضوع کلی آن را بفهمید و بتوانید روی تکنیک «پیدا کردن مرجع ضمیر» متمرکز شوید.

Horatio Alger, Jr. (1832-1899) was the author of more than 100 books for boys in the second half of the nineteenth century that focused on the theme of success coming to those who work hard to achieve it. The son of a minister, Alger came from a prominent Massachusetts family. He graduated with honors from Harvard in 1852 and graduated from the Cambridge Divinity School eight years later. He served as a minister for a short time before moving to New York City in 1866 to devote his time to writing inspirational books for boys.

In many of his books, he wrote about the poor and homeless children of the slums of New York City, seeing them as unfortunate pawns of society who, if only given the opportunity, could improve their lot. A general plotline that he followed often was of a poor boy who managed to achieve a respectable and successful life by working hard and taking advantage of opportunities presented. Though his writing style was characterized by simplicity and repetition, it was well received by his target audience; his books were enormously popular, selling millions of copies well into the first few decades of the twentieth century.

1. The word "that" in paragraph 1 refers to .....

- 1) author                      2) books                      3) boys                      4) half

2. The word "it" in paragraph 1 refers to.....

- 1) the second half              2) the nineteenth century      3) 100 books              4) success

3. The word "them" in paragraph 2 refers to .....

- 1) books                      2) poor children              3) slums                      4) pawns of chess

4. The word "who" in paragraph 2 refers to .....

- 1) slums                      2) society                      3) pawns                      4) opportunity

5. The word "it" in paragraph 2 refers to .....

- 1) style                      2) simplicity                      3) repetition                      4) audience



معنی متن:

هوریشیو آلجر پسر نویسنده بیش از صد کتاب برای پسران در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم بود. کتاب‌هایی که روی این موضوع تمرکز داشتند که موفقیت سراغ کسانی می‌آید که سخت تلاش می‌کنند تا آن را به دست آورند. آلجر که پسر یک کشیش بود از یک خانواده‌ی مبرز ماساچوست می‌آمد. او در ۱۸۵۲ به عنوان دانشجوی ممتاز از هاروارد فارغ‌التحصیل شد و مدرسه Divinity کمبریج را هشت سال بعد تمام کرد. او برای مدتی کوتاه به عنوان کشیش خدمت کرد و سپس در ۱۸۶۶ به نیویورک رفت تا وقتش را به نوشتن کتاب‌های انگیزشی برای پسران اختصاص دهد.

در بسیاری از کتاب‌هایش او درباره‌ی کودکان فقیر و بی‌خانمان مناطق فقیرنشین نیویورک می‌نوشت و آن‌ها را به عنوان افراد ضعیف جامعه می‌دید که اگر فقط به آن‌ها فرصت داده می‌شد، می‌توانستند اقبال خود را بهبود بخشند. داستان کلی‌ای که او دنبال می‌کرد اغلب پسر فقیری بود که با سخت‌کوشی و استفاده از فرصت‌های ارائه شده موفق می‌شد زندگی قابل احترام و موفق‌تری داشته باشد. اگرچه سبک نوشتن او شاخصه‌هایی مثل سادگی و تکرار داشت، توسط مخاطبان هدفش به خوبی پذیرفته شد. کتاب‌هایش شدیداً محبوب بود و تا چندین دهه‌ی اول قرن بیستم میلیون‌ها نسخه از آن‌ها به فروش می‌رسید.

▶ پاسخ سوالات متن:

۱) **گزینه‌ی ۲** یکی از مسائل مهم در حین خواندن متن که برای پی‌گیری موضوع متن توسط خواننده ضروری است، توجه به **ضمایر و کلمات پرهیز از تکرار**

است نویسنده در اغلب اوقات برای پرهیز از تکرار مکررات، از **ضمایر و کلمات مشابه** استفاده می‌کند که خواننده متن باید با **ذکاوت و با دقت به مفهوم جمله و**

**سیر مفهوم متن** آن‌ها را دریابد و دنبال کند.

اما در این سؤال مفهوم جمله: ... نویسنده بیش از صد کتاب برای پسرچه‌ها در نیمه دوم قرن نوزدهم است، **کتاب‌هایی** که روی این موضوع تمرکز می‌کند که

موفقیت سراغ کسانی می‌آید که سخت تلاش می‌کنند تا آن را به دست آورند.

۲) **گزینه‌ی ۴** به طور معمول مرجع یک ضمیر قبل از آن ضمیر می‌آید و لذا بهترین محل برای جستجوی **مرجع ضمیر**، در کلمات یا جملات قبل از آن است. البته باید گفت که مرجع به ندرت ممکن است بعد از ضمیر هم بیاید.

۳) **گزینه‌ی ۲** یکی از ساده‌ترین روش‌های پاسخگویی به سؤالات **مرجع ضمیر**، جاگذاری گزینه‌های داده شده و بررسی مفهوم جمله حاصله است. در این سؤال: ... او راجع به بچه‌های فقیر و بی‌خانمان محله‌های فقیرنشین شهر نیویورک می‌نوشت و آنها را به عنوان گروگان‌هایی در جامعه می‌دید که ....

۴) **گزینه‌ی ۳** در این سؤال مرجع ضمیر who، اسم pawn است.

اما خوب است بدانید که مرجع ضمیر گاهی یک عبارت، یک جمله یا حتی یک مفهوم ضمنی، ممکن است باشد. برخی از ضمیری که **می‌توانند** به یک مفهوم یا جمله برگردند، this، it و which هستند.

۵) **گزینه‌ی ۱** اگرچه ویژگی سبک نوشتاری او سادگی و تکرار بود، آن به خوبی توسط مخاطبان هدفش پذیرفته می‌شد.

## ▶ New WORDS

author:	نویسنده	inspirational:	انگیزشی	decade:	دهه
achieve:	به دست آوردن	pawn of society:	عضو ضعیف جامعه		
minister:	وزیر، کشیش	opportunity:	فرصت		
prominent:	بارز	plotline:	طرح داستان		
graduate:	فارغ‌التحصیل شدن	advantage:	سود		
honors:	نمره ممتاز	target:	هدف		

### ▲ خلاصه نکات «مرجع ضمیر»

- ۱) سؤالاتی که مرجع یک ضمیر یا واژه پرهیز از تکرار را می‌پرسند، حاوی لغت کلیدی refer to هستند.
- ۲) مرجع ضمیر را اصولاً باید براساس مفهوم و معنی جمله و سیر موضوع متن پیدا کرد. لزوماً نزدیک‌ترین اسم به یک ضمیر، مرجع آن نیست.
- ۳) مرجع معمولاً قبل از ضمیر (و به ندرت بعد از آن) می‌آید. مرجع از نظر تعداد و شخص با ضمیر تطابق دارد.
- ۴) مرجع ضمیر گاهی یک کلمه نیست بلکه یک مفهوم یا حتی یک جمله کامل است.
- ۵) جاگذاری گزینه‌ها در جمله یکی از ساده‌ترین روش‌های پاسخگویی به سؤالات مرجع ضمیر است.

پرای چدول New Words در انتهای هر فصل دو کاربرد اصلی در نظر گرفته‌ام.

- ۱) چدولی که معنای لغات جدید را حاوی باشد و شما را از صرف وقت برای مراجعه به دیکشنری بی‌نیاز کند.
- ۲) چدولی که به شما کمک کند دامنه لغاتتان را (با استفاده از هر فرصتی افزایش دهید.

## Technique 3

## Dealing with New Words

## برخورد با لغات جدید

**راهنما:** متن زیر درباره‌ی یک رمان‌نویس است؛ آن را به طور اجمالی بخوانید تا سیر موضوع کلی آن را درک کنید. خود را درگیر تک‌تک لغات نکنید و به دنبال فهم تک‌تک کلمات نباشید. هدف اصلی در این جا تلاش برای حدس معنی لغاتی است که زیرشان خط کشیده شده است.

**E**dna Ferber (1887-1968) was a popular American novelist in the first half of the twentieth century. She embarked on her career by working as a newspaper reporter in Wisconsin and soon began writing novels. Her first novel, *Dawn O'Hara, the Girl Who Laughed*, was published in 1911, when she was only twenty-four years old.

Her big break came with the novel *So Big* (1924), which was awarded the Pulitzer Prize in Literature. The main conflict in the novel is between a mother who places a high value on hard work and honor and a son who repudiates his mother's values, instead preferring the easier path to fortune and celebrity. Like many of Ferber's novels, this novel features a female protagonist with strong character who struggles to deal with dilemmas about the importance of status and money.

Probably the best known of Ferber's novels was *Show Boat* (1926), which tells the story of a Southern woman married to a charismatic but irresponsible man who leaves her with a daughter she must take great pains to support. In 1927, the novel was made into a musical that has endured to the present.

Other well-known novels by Ferber include *Cimarron* (1930) and *Giant* (1952), both of which were made into movies. These were epic novels about the settlement and growth of the West, centering on strong female lead characters who marry men lacking the same strength of character.

**1. The phrase "embarked on" in paragraph 1 is closest in meaning to .....**

- 1) took a trip to                      2) started out on                      3) improved upon                      4) had an opinion about

**2. The word "break" in paragraph 2 could best be replaced by .....**

- 1) act of cutting                      2) crack                      3) bit of fortune                      4) rest

**3. The word "repudiates" in paragraph 2 is closest in meaning to .....**

- 1) refuses to accept                      2) lives up to                      3) tries to understand                      4) makes the best of

**4. The word "protagonist" in paragraph 2 is closest in meaning to .....**

- 1) big enemy                      2) interested reader                      3) skilled worker                      4) lead character

**5. The word "irresponsible" in paragraph 3 is closest in meaning to .....**

- 1) reckless                      2) reliable                      3) excited                      4) emotional

**6. The phrase "take great pains" in paragraph 3 is closest in meaning to .....**

- 1) work hard                      2) recognize hurtfully                      3) accept clearly                      4) hurt agonizingly

**7. The word "endured" in paragraph 3 is closest in meaning to .....**

- 1) lasted                      2) tested                      3) waited                      4) limited



معنی متن:

ادنا فربر رمان‌نویس محبوب امریکایی در نیمه‌ی اول قرن بیستم بود. او مسیر شغلی خود را با کار به عنوان گزارشگر روزنامه‌ای در ویسکانسن شروع کرد و خیلی زود به نوشتن رمان پرداخت. اولین رمان او، *Dawn O'Hara, the Girl Who Laughed*، در ۱۹۱۱ چاپ شد زمانی که او فقط بیست و چهار سال داشت. اقبال بزرگی با رمان *So Big* که جایزه پولیتزر در ادبیات به آن اعطا شد نصیب او شد. تعارض اصلی در آن رمان بین مادری است که ارزش زیادی به سخت‌کوشی و شرافت می‌دهد و پسری که ارزش‌های مادرش را نمی‌فهمد و در عوض مسیر ساده‌تری را به ثروت و شهرت ترجیح می‌دهد. مانند بسیاری از رمان‌های دیگر فربر، این رمان نقش اصلی را در شخصیت اصلی به خانمی با شخصیتی قوی می‌دهد که تقلا می‌کند با مسائل غامضی درباره‌ی اهمیت جایگاه (اجتماعی) و پول کنار بیاید. شاید مشهورترین رمان فربر *Show Boat* بود که داستان یک زن جنوبی است که با یک مرد پرچذبه ولی بی‌مسئولیتی ازدواج می‌کند که او را با دخترش تنها می‌گذارد، دختری که او باید برای تأمینش زحمات زیادی بکشد. در ۱۹۲۷، این رمان تبدیل به یک تئاتر موزیکال شد که تا به حال دوام داشته است.

توضیح ضروری: اگر این متن‌ها پراپتان پیش از حد دشوار است، باید قبل از استفاده از این کتاب دو کار ضروری انجام دهید: (۱) روی لغات چهار سال دبیرستان تسلط پیدا کنید. (۲) کتاب درک متن انگلیسی به زبان ساده را بخوانید.

دیگر رمان‌های مشهور فربر شامل Cimarron و Giant است که هر دو تبدیل به فیلم سینمایی شدند. این‌ها داستان‌هایی حماسی درباره‌ی اسکان و رشد غرب بودند. و تمرکزشان روی شخصیت‌های اصلی و قدرتمند زنانی بود که با مردان ازدواج می‌کردند که همان قدرت شخصیتی را نداشتند.

### ▶ پاسخ سؤالات متن:

(۱) **گزینه‌ی ۲** اصولاً اقدام اولیه ما در برخورد با واژه جدید در متن نادیده گرفتن آن و تمرکز بر موضوع متن است. اما گاهی طراح سؤال معنی یک واژه جدید را از ما می‌پرسد. برای حدس معنی لغات جدید در یک متن روش‌های متفاوتی وجود دارد. یکی از بهترین روش‌ها توجه به متن همراه (context) آن لغت است. در این روش شما باید ابتدا نقش گرامری واژه موردنظر را متوجه شوید (اسم، فعل، صفت، قید و...) و سپس با استفاده از واژه‌های اطراف آن لغت و سرخ‌های موجود در جمله، معنی آن لغت جدید را حدس بزنید. مثلاً در همین جمله:

او ... شغلش را با کار کردن به عنوان گزارشگر روزنامه.

She embarked on her career by working as a newspaper reporter.

حدس می‌زنیم جای خالی محل کاربرد یک فعل است (بعد از فاعل، فعل می‌آید) وجود ed- هم تا حد زیادی این حدس ما را قوی‌تر می‌کند.

حال که نقش گرامری واژه موردنظر را فهمیدیم، سعی می‌کنیم با توجه به متن همراه حدس معقولی بزنیم؛ او کارش را شروع کرد.

با توجه به این که اولین بار است سخن از شغل ادنا فربر می‌شود، منطقی‌ترین حدس «شروع کردن» است.

توجه: یادمان باشد وقتی می‌خواهیم معنی لغت جدیدی را حدس بزنیم، لزومی ندارد معنی آن را به دقت یک دیکشنری حدس بزنیم. همین که حیطه معنایی آن را مشخص کنیم و در نهایت مفهوم کلی جمله را درک کنیم، کافی است.

**معنی گزینه‌ها:** (۱) سفر کرد به (۲) شروع کرد (۳) بهبود داد (۴) نظری داشت درباره‌ی

(۲) **گزینه‌ی ۳** کلمه‌ی break را عمدتاً به معنی «شکستن، شکست» دیده‌اید. اما در اینجا قضیه فرق دارد. اگر از روش سؤال قبل استفاده کنید، جمله‌ی موردنظر می‌گوید:

Her big break came with the novel *So Big*, which was awarded the Pulitzer.

... بزرگ او با رمان «خیلی بزرگ» حاصل شد، که جایزه پولیتزر را برد.

واضح است که کلمه‌ی break در اینجا «اسم» است (چون فاعل، جمله است و در ضمن پس از صفت big آمده است). حال با توجه به مفهوم ادامه جمله که به برنده شدن جایزه پولیتزر اشاره دارد نیز گزینه‌های داده شده، واژه‌ی bit of fortune (شانس، اقبال) بهترین انتخاب است.

توجه: در بسیاری از موارد جایگزین کردن گزینه‌های داده شده با واژه ناآشنا، شما را تا حد بسیار زیادی به پاسخ نزدیک می‌کند.

**معنی گزینه‌ها:** (۱) عمل بریدن (۲) شکاف، ترک (۳) اقبال، شانس (۴) استراحت، بقیه

(۳) **گزینه‌ی ۱** سرخ‌هایی که در متن همراه، برای حدس معنی لغت جدید پیدا می‌شود، گاه قبل و گاه بعد از آن می‌آیند. هیچ‌گاه نباید از پیدا کردن نشانه‌هایی برای حدس مفهوم لغت جدید (هر چند حدس کلی باشد) ناامید شد. گاهی باید به خیلی قبل یا بعد نگاه کنیم. مثلاً در این سؤال سرخ‌های اصلی کلمه conflict (تقابل، تعارض) قبل از آن و instead بعد از آن است:

The main conflict in the novel is between a mother who places a high value on hard work and honor and a son who repudiates his mother's values, instead preferring the easier path.

تعارض اصلی رمان بین یک مادر که ارزش زیادی برای سخت‌کوشی و شرافت قاتل است و پسری که ارزش‌های مادرش را ... و در عوض مسیر ساده‌تر را ترجیح می‌دهد.

مشخصاً واژه «نپذیرفتن، رد کردن» با جمله هماهنگ است.

**معنی گزینه‌ها:** (۱) نمی‌پذیرد (۲) برآورده می‌کند (۳) سعی می‌کند، بفهمد (۴) بهترین بهره را می‌برد

توجه: ممکن است برخی از شما اعتراض کنید که: «آخه ما معنی conflict» رو هم نمی‌دونیم! باید عرض کنم به همین دلیل است که باید تلاش زیادی کنید تا دامنه لغاتتان را هم بالا ببرید و بنیادین هرچه دایره واژگان شما گسترده‌تر باشد، متن‌ها را هم راحت‌تر خواهید خواند.

(۴) **گزینه‌ی ۴** خب، سرخ اصلی موجود در جمله برای حدس زدن معنی protagonist به نظر شما چیست؟ پاسخ شما باید novel (رمان) باشد.

در اینجا توجه کنید که گاهی توجه کردن به موضوع اصلی متن (main idea) هم می‌تواند به شما کمک کند راجع به معنی واژه جدید حدس معقول‌تری بزنید. مثلاً توجه به این که این متن درباره یک رمان‌نویس است کمک می‌کند بفهمیم رمان مورد بحث در پاراگراف دوم دارای شخصیت‌هایی بوده که شخصیت اصلی آن یک خانم، باشخصیتی قوی است (الی آخر).

**معنی گزینه‌ها:** (۱) دشمن بزرگ (۲) خواننده‌ی علاقمند (۳) کارگر ماهر (۴) شخصیت اصلی

۵) **گزینه ۱** درپاسخ‌های قبلی اشاره کردم که یکی از روش‌های پاسخگویی به سؤالات «حدس معنی لغت جدید» جایگذاری گزینه‌هاست اما این امکان وجود دارد که شما در میان گزینه‌ها، معنی یک گزینه را ندانید (مثلاً در این سؤال شاید معنی reckless). در این صورت با روش رد گزینه‌های دیگر می‌توانید به پاسخ صحیح (بی‌مسئولیت، بی‌خیال) برسید.

اما نکته اصلی این سؤال این است که یکی از روش‌های حدس معنی لغات توجه به ریشه آن‌ها و پیشوند و پسوندهای آنهاست (word formation). مثلاً واژه‌ی irresponsible :

response (n) + -able → responsible (adj)

پاسخگو، مسؤول پاسخ

ir - + responsible → irresponsible -

بی‌مسئولیت پیشوند منفی ساز

به طور کلی خوب است بدانید که **پسوندها** عمدتاً نقش کلمه را تغییر می‌دهند و **پیشوندها** بیشتر معنی آن را. برای مطالعه بیشتر پیشوند / پسوندها / ریشه‌ها می‌توانید به Part B همین کتاب مراجعه کنید.

۶) **گزینه ۱** گاه لغاتی که برای ما مفاهیم آشنایی دارند در مفاهیم دیگری و در قالب اصطلاحاتی به کار می‌روند. مثلاً واژه pain یعنی «درد» ولی اصطلاح take great pains to do sth یعنی «زحمت فراوان کشیدن برای انجام کاری». بهترین راه برای تشخیص این موارد، مثل همیشه استفاده از متن همراه (context) و دقت به موضوع کلی مورد بحث است.

..... irresponsible man who leaves her with a daughter she must **take great pains** to support.

... مرد بی‌مسئولیتی که او را با دختر بچه‌ای تنها می‌گذارد که او باید **زحمت زیادی** بکشد تا آن دختر را تأمین کند.

نکته امید بخش این است که معمولاً اصطلاح مورد نظر ارتباط (هرچند دوری) با معنی تک‌تک واژه‌های خود دارد. مثلاً take great pains لغت به لغت یعنی «درد زیادی را تحمل کردن».

**معنی گزینه‌ها:** ۱) سخت کار کردن ۲) با درد و رنج شناختن ۳) واضحاً پذیرفتن ۴) به طرز دردآوری رنجاندن

۷) **گزینه ۱**

The novel was made into a musical that has **endured** to the present.

آن رمان تبدیل به یک نمایش موزیکال شد که تا به حال ..... .

مشخصاً جای خالی محل کاربرد **فعل** است و بهترین گزینه «دوام آوردن، طول کشیدن» می‌باشد.

**معنی گزینه‌ها:** ۱) دوام آوردن ۲) آزمودن ۳) منتظر شدن ۴) محدود کردن

## ▶ New WORDS

embark on:	شروع کردن	repudiate:	نپذیرفتن	lead character:	شخصیت اصلی
career:	مسیر شغلی	feature (v):	نقش اصلی دادن به	lack:	فاقد بودن
break (n):	اقبال، شانس خوب	protagonist:	نقش اصلی		
literature:	ادبیات	dilemma:	دو راهی انتخاب، مسأله غامض		
conflict:	تعارض	charismatic:	پرجذبه		
honor:	اعتبار، شرف	epic:	حماسی		

تکنیک برخورد با لغات ناآشنا - په زعم من پا تجربه تدریس چندساله - عملاً راهگشا ترین و مؤثرترین تکنیک و ابزار دست خواننده متن است.

آن را خیلی خیلی جدی بگیرید.

### ▲ خلاصه نکات «برخورد با لغات ناآشنا»

- ۱) اقدام اول همیشه نادیده گرفتن لغت جدید و تمرکز بر موضوع جمله و متن مورد مطالعه است (که خوشبختانه در اغلب موارد جواب می‌دهد).
- ۲) اما اگر برای درک مفهوم متن به معنی آن واژه نیاز داشتیم یا طراح سؤال معنی آن را پرسیده بود، باید بدانیم که بهترین راه، توجه به **متن همراه** (context) و تلاش برای پیدا کردن سرنخ‌های مناسب برای زدن حدس معقولی درباره معنی آن واژه است. برای این منظور، بهتر است نقش گرامری واژه مورد نظر را ابتدا حدس بزنیم. (که آیا اسم، صفت، قید یا فعل است).
- ۳) گاهی ریشه لغت ناآشنا برای ما آشنا است و با تحلیل ساختار آن لغت از نظر پیشوندها و پسوندها می‌توانیم مفهوم کلی آن را به دست بیاوریم.
- ۴) در موارد کمی هم نویسنده متن خود واژه موردنظر را خود معنی کرده است یا آن واژه عیناً وارد زبان مادری ما هم شده است (مثلاً دیابت diabetes) که تشخیص آن را ساده‌تر می‌کند.
- ۵) باید توجه کرد که گاه یک لغت دارای معانی متفاوتی است و حتی مفهوم واژه‌های آشنا را هم باید در زمینه‌ی متن همراه خود سنجید و درک کرد.
- ۶) صورت سؤالاتی که از معنی لغت جدیدی می‌پرسند معمولاً این‌گونه است:  
The word / phrase X is closest in meaning to .....
- ۷) از ساده‌ترین روش‌ها برای پاسخ به سؤالات لغت جدید، جاگذاری گزینه‌ها است.

برای برخورد آسانتر با واژگان جدید متن دو راهکار کلی داریم؛ ۱) یادگیری تکنیک‌های آموزش داده شده در این صفحات  
۲) افزایش دامنه واژگان و یادگیری واژگان جدید با خواندن متون متنوع یا کتاب‌های آموزش اصولی واژگان (مثل **Part B** همین کتاب)

## Technique 4 Understanding the Main Idea درک ایده‌ی اصلی

**راهنما:** هدف اصلی در این جا درک «موضوع اصلی متن» است. تلاش کنید بفهمید هدف اصلی نویسنده از نوشتن متن چه بوده است. شما دوستان خوبم باید بدانید که اگر موضوع یک متن را به خوبی نفهمید و نتوانید آن را در متن دنبال کنید، عملاً از درک مؤثر آن متن عاجز خواهید بود.

### Passage 1

**B**asketball was invented in 1891 by a physical education instructor in Springfield, Massachusetts, by the name of James Naismith. Because of the terrible weather in winter, his physical education students were indoors rather than outdoors. They really did not like the idea of boring, repetitive exercises and preferred the excitement and challenge of a game. Naismith figured out a team sport that could be played indoors on a gymnasium floor, that involved a lot of running, that kept all team members involved, and that did not allow the tackling and physical contact of American-style football.

**What is the main idea of this passage?**

- 1) The life of James Naismith
- 2) The history of sports
- 3) Physical education and exercise
- 4) The origin of basketball

**معنی متن اول:**

بسکتبال در ۱۸۹۱ توسط یک مربی تربیت بدنی در اسپرینگ فیلد، ماساچوست به نام جیمز نیسمیت اختراع شد. به خاطر هوای بسیار بد زمستان، دانش‌آموزان تربیت بدنی او به جای فضاباز داخل فضای بسته بودند. آن‌ها واقعاً ایده تمرین‌های تکراری و کسل‌کننده را دوست نداشتند و هیچان و چالش یک بازی را ترجیح می‌دادند. نیسمیت ورزشی تیمی را دریافت که می‌توانست در زمین باشگاه داخل فضای بسته بازی شود، ورزشی که دویدن زیادی را شامل می‌شد و همه اعضای تیم را درگیر می‌کرد و تکل کردن و تماس فیزیکی از نوع فوتبال آمریکایی را مجاز نمی‌دانست.

**پاسخ سؤالات متن:**

**پاسخ: گزینه‌ی ۴.**

از رایج‌ترین انواع سؤالات، پرسش‌هایی است که **موضوع اصلی یک متن** (main idea) را مورد پرسش قرار می‌دهد. موضوع اصلی هر پاراگراف در واقع هدف اصلی نویسنده از نوشتن پاراگراف است و پیغام اصلی است که تمام جملات آن تلاش می‌کنند آن را بیان نمایند. برآیند موضوع اصلی همه پاراگراف‌های یک متن، در واقع موضوع اصلی کل متن است.

**نکته مهم** این است که تقریباً همیشه موضوع اصلی در جمله اول متن ذکر می‌شود که معمولاً به آن جمله **topic sentence** می‌گوییم و بقیه جملات با آوردن مثال، توضیح، دلیل و... خواننده را برای پذیرفتن آن متقاعد می‌کنند (supporting sentences).  
مثلاً در همین متن هم از همان جمله اول بحث اختراع بازی بسکتبال مطرح شده و در جملات بعدی، داستان این اختراع آورده شده است.  
برای این که بفهمید چرا بقیه‌ی گزینه‌ها نادرستند متن بعدی را بخوانید.

### Passage 2

**T**he extremely hot and humid weather that occurs in the United States in July and August is commonly called the “dog days” of summer. This name comes from the star Sirius, which is known as the Dog Star. Sirius is the brightest visible star, and in the hot summer months it rises in the east at approximately the same time as the Sun. As ancient people saw this star rising with the Sun when the weather was at its hottest, they believed that Sirius was the cause of the additional heat; they believed that this bright star added its heat to the heat of the Sun, and these two together made summer weather so unbearably hot.

The main idea of this passage is that .....

- 1) the name for the hot summer days comes from Sirius, the Dog Star
- 2) extremely hot weather bothers dogs in summer
- 3) the hottest days occur in the summer because of the movements of the Sun and stars
- 4) Sirius rises at almost the same time as the Sun during the summer months.

معنی متن دوم:

هوای فوق العاده گرم و شرجی که در جولای و آگوست در امریکا رخ می دهد را با نام «روزهای سگی» تابستان می شناسند. این نام از اسم ستاره «سیریوس» منشأ گرفته که با نام «ستاره سگی» شناخته می شود. سیریوس روشن ترین ستاره قابل رؤیت است و در ماههای گرم تابستان تقریباً همزمان با خورشید در شرق طلوع می کند. چون مردمان کهن می دیدند که این ستاره در زمانی که هوا گرم ترین دما را دارد همزمان با خورشید طلوع می کند، آن ها تصور می کردند که سیریوس عامل این گرمای اضافه است. آن ها باور داشتند که این ستاره گرمای خود را به گرمای خورشید اضافه می کند و این دو باهم گرمای تابستان را به حد غیرقابل تحملی گرم می کنند.

**پاسخ: گزینه ۱** نکته بسیار کلیدی در پاسخگویی به چنین سوالاتی **مقایسه** گزینه ها باهم است به طوری که گزینه های **بیش از حد جزئی** که فقط به بخشی از متن (مثلاً یک جمله خاص) اشاره دارند و گزینه های **بیش از حد کلی** که به طور دقیق به موضوع این متن خاص اشاره نمی کنند و ممکن است به چندین متن دیگر هم مربوط شوند، رد کنیم. مثلاً در همین سؤال گزینه ها را بررسی می کنیم:

۱) نام روزهای گرم تابستان از سیریوس، ستاره سگی به دست آمده است. این گزینه صحیح است. در ابتدای متن به آن اشاره شده و در جملات بعدی سابقه تاریخی آن ذکر شده است.

۲) روزهای شدیداً گرم، سگ ها را در تابستان اذیت می کند. جمله غلط و بی ربطی است که صرفاً از کنار هم گذاشتن کلمات متن درست شده است.

۳) گرم ترین روزهای تابستان به دلیل حرکت خورشید و ستارگان اتفاق می افتند.

شاید جمله ی ذاتاً درستی باشد ولی ربطی به موضوع خاص این متن ندارد که در واقع دلیل نام گذاری "dog days" است.

۴) سیریوس در طی ماه های تابستان تقریباً همزمان با خورشید طلوع می کند.

جمله ی درستی است ولی بیش از حد جزئی است و به کل متن بر نمی گردد.

### Passage 3

Before ballpoint pens or fountain pens, pens were made from goose feathers. These goose feathers, called quills, were sharpened and dipped into inkwells, where they absorbed enough ink to write a few words. It was necessary to keep an inkwell very close by, as frequent dipping was necessary.

These quill pens were one of the earliest products "designed" specifically for left- and right- handed people. Feathers from the left wing of the goose worked best for right-handers because of the way that the feathers arched. Feathers from the right wing were preferred by left-handers.

Which of the following is the best title for this passage?

- 1) Early Ballpoint and Fountain Pens
- 2) Quill pens for Lefties and Righties
- 3) Where Quill Pens Came From
- 4) Various Uses for Goose Feathers

معنی متن سوم:

قبل از خودکار یا خودنویس، قلم ها از پر مرغابی ساخته می شدند. این پرهای مرغابی را که quill نامیده می شدند تیز می کردند و داخل جوهردان می نمودند، جایی که آن ها جوهر کافی جذب می کردند تا چند کلمه ای بنویسند. لازم بود که جوهردان دم دست باشد چون به طور مکرر ضروری بود که قلم وارد جوهردان شود. این قلم های quill یکی از اولین محصولات محصولاتی بود که به طور خاص برای افراد راست دست و چپ دست طراحی می شد. پرهای بال چپ مرغابی برای راست دست ها بهتر بود به خاطر جهتی که پر قوس برمی داشت. پرهای بال راست توسط چپ دست ها ترجیح داده می شد.

**پاسخ: گزینه ۲**